

چای سوخته

● سعید نجفی

بازخوانی یک پرونده - ۴



۴ را که در برزخ خواب و بیداری در حال استراحت بودند، از وقوع یک آتش سوزی با خبر کرد. حس تعهد و مسئولیت در چشمان نگران تک تک مأموران آتش نشانی قابل مشاهده بود. شکسته شدن سکوت منطقه با صدای آژیر دو خودرو آتش نشانی اهالی را نگران کرده بود. کسانی که منازلشان به جاده نزدیک بود، از پنجره‌های خانه‌هایشان سرک می‌کشیدند تا علت حضور آتش نشانی را پیدا کنند.

خودروهای آتش نشانی از جاده اصلی وارد جاده فرعی شده بودند و همین موضوع دید رانندگان را کم و دقت و احتیاط آنها را بیشتر کرده بود.

علی هوشیار راننده یکی از ماشین‌های آتش نشانی از آن شب می‌گوید: «... جاده باریک منتهی به محل آتش سوزی سرعت عمل ما را کم کرده بود. باید با احتیاط به راه خود ادامه می‌دادیم. از طرف دیگر باید در کمترین زمان ممکن همکاران خود را به محل وقوع آتش سوزی می‌رساندیم.»

محمد زنده‌دل یکی از مأموران ایستگاه ۳ رشت وقایع آن شب را اینگونه مرور می‌کند: «... در کمتر از ۱۵ دقیقه به محل وقوع حادثه رسیدیم. شعله‌های آتش به آسمان زبانه می‌کشیدند. پیرمردی حدوداً ۷۰ ساله از ما می‌خواست که سریع‌تر آتش را خاموش کنیم. محل وقوع آتش سوزی که به انبار شباهت داشت کاملاً فرو ریخته بود.»

در گزارشی که به امضای مسئولان ایستگاه ۳ و ۴ و همچنین مسئول آموزش سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی رشت رسیده است می‌خوانیم: «کارخانه چای خشک‌کنی از تاریخ ۸۰/۷/۲۸ غیرفعال

مزارع چای لاهیجان در بهمن‌ماه جذابیت فصل برداشت چای را ندارند که در آن زنان شمالی در گروه‌های چند نفری و بصورت مرتب به کاشت و برداشت چای مشغول هستند و گاه بیگانه‌آهنگی را زمزمه می‌کنند. هوای اطراف شهرستان لاهیجان در بهمن‌ماه سال ۱۳۸۰ کمی به سردی رو آورده بود و بدون لباس گرم، قدم زدن لذت چندانی نداشت.

ساعت ۳ بامداد هفتم بهمن‌ماه، روستای آزار ستانکی زالک‌بر شهرستان لاهیجان در خواب عمیقی فرو رفته بود. زوزه گاه بیگانه‌گرگ‌های سرگردان، آرامش منطقه را بهم می‌زد و نگهبانان را هوشیار می‌کرد.

علی بزرگی با ۷۵ سال سن و کوله‌باری از خستگی چندین سال کار، همچنان با چشمانی بیدار، مسئولیت نگهبانی کارخانه چای خشک‌کنی را بر عهده گرفته بود.

مشهدی‌علی بنا بر عادت این چند سال، با برداشتن چوب‌دستی و پوشیدن کاپشن رنگ و رو رفته‌اش، از اتاق نگهبانی خارج شد و برای سرکشی به طرف ساختمان‌های کارخانه حرکت کرد.

حس غریبی سراسر وجود مشهدی‌علی را پر کرده بود. ناخودآگاه سرعت قدم‌هایش بیشتر و بیشتر شد. مردمک چشم‌هایش را تنگ‌تر می‌کرد تا بهتر ببیند.

شعله‌های آتش از پنجره‌های فاقد شیشه زبانه می‌کشیدند و هوای بیشتری را برای شعله‌های بلندتر طلب می‌کردند.

تنها کاری که نگهبان هراسان و خسته می‌توانست انجام دهد تماس با آتش نشانی منطقه بود.

صدای زنگ خطر، مأموران هوشیار آتش نشانی ایستگاه‌های ۳ و

■ با توجه به بازدید مقدماتی از محل حادثه و مشاهدات عینی، به نظر می‌رسد به دلیل حجم بسیار وسیع آتش‌سوزی احتمال وقوع انفجار قطع برق صنعتی کارخانه، عدم فعالیت کارخانه، بدهکاری کارخانه به چایکاران و عدم دریافت وام از بانک، وقوع حادثه غیرتصادفی (عمدی) بوده است

بوده و انبار متمرکز فرآوری چای در سه طبقه دچار حریق شده است. هم‌چنین به علت عدم پرداخت هزینه مصرف برق، برق صنعتی کارخانه از تاریخ ۸۰/۱۰/۳ قطع بوده و فقط برای تأمین روشنایی از یک کنتور ۲۵ آمپری استفاده می‌گردید. ... از حدود ۷۰۹ تن چای استحصالی سال ۱۳۸۰، ۲۰۵ تن فروخته شده و مابقی در زمان وقوع حریق در انبار موجود بوده است. ... با توجه به این که چای جزو آتش‌های کندسوز و مغزسوز و بدون شعله بوده است، شواهد حکایت از آن دارد که سوختن چای موجود در انبار غیرطبیعی و غیرمعمول بوده و گسترش حریق در لحظات و مراحل شروع اولیه با منحنی استاندارد بار حریق مغایرت داشته است. نگهبان کارخانه به دلیل فقدان تلفن در کارخانه مراتب را توسط مخابرات محل به مسئولین کارخانه اطلاع داده است، هیچ‌گونه منابع حرارتی شعله‌رو باز و تابلوی تقسیم برق در داخل انبار مورد استفاده قرار نمی‌گرفته است».

این گزارش می‌افزاید: «... تخریب ۸۰ درصد ساختمان و شدت حرارت در این مدت زمان کوتاه (رسیدن مأموران آتش‌نشانی به محل) به طور عادی بعید به نظر می‌رسد. ... هیچ‌گونه علائم اتصالی و ... که تأثیری در جهت ایجاد اتصال در سیستم سیم‌کشی برق به وجود آورده باشد، مشاهده نشد. ... در رابطه با عدم پرداخت به موقع مطالبات کشاورزان چای کار از بابت خرید برگ سبز چای اختلافاتی بین کشاورزان با مدیریت کارخانه چای خشک‌کنی وجود داشته است».

در مجموع گزارش آتش‌نشانی موبد غیرتصادفی (عمدی) بودن حریق است، البته به دلایل زیر: سوختن یکپارچه تمام چای موجود در انبار، فراهم شدن نقطه آتش‌گیری کلیه موجودی انبار در کوتاه‌ترین زمان ممکن، عدم وجود احتمال احتراق خودبخود با توجه به نوع فیزیکی کالا غیرفعال بودن کارخانه و عدم استفاده از منابع حرارتی در زمان وقوع حریق، امکان پاشیدن مشتقات نفتی به داخل انبار با توجه به فقدان حفاظ مناسب برای پنجره‌های سمت شمالی و شرقی انبار و منتفی بودن بروز اتصالات ناشی از سیستم سیم‌کشی برق.

هم‌چنین در گزارش سازمان آتش‌نشانی در خصوص چگونگی بروز حریق می‌خوانیم: «با توجه به گسترش و سرایت آتش در حداقل زمان و با در نظر گرفتن منحنی استاندارد زمان و کنداشتعال بودن بار حریق احتمال اینکه فرد یا افرادی به قصد سوء با پاشیدن مایعات قابل اشتغال از طریق پنجره‌های فاقد حفاظ مناسب یا ... بر روی چای موجود در انبار موجبات بروز حریق را فراهم نموده باشند، قابل تصور است»

در پایان گزارش علل گسترش حریق اینگونه ذکر شده است: «در مطلع شدن تنها نگهبان کارخانه به علت کهولت سن، نبودن وسیله ارتباطی (تلفن) در محل وقوع حریق، بعد مساحت (حدود ۸

کیلومتر) تا نزدیکترین واحد آتش‌نشانی شهر، کوهستانی و تنگ و باریک بودن جاده خاکی منتهی به کارخانه و پاشیدن مایعات نفتی سریع‌الاشتغال بر روی گونی‌های محتوی چای».

به سراغ گزارش سرپرست وقت منطقه ۶ بیمه آسیا می‌رویم و آن را ورق می‌زنیم: «بنا به اظهار نگهبان شبانه کارخانه، قبل از رسیدن مأموران آتش‌نشانی، سقف طبقات انبار چای با صدای مهیبی فرو ریخته بود. موجودی چای فقط از نوع ضایعات بوده که قسمت عمده سالم و بخشی آبدیده و قسمتی هم که در انبار چای قرار داشت سوخته بود».

سرپرست وقت منطقه ۶ بیمه آسیا معتقد است: «با توجه به بازدید مقدماتی از محل حادثه و مشاهدات عینی، به نظر می‌رسد به دلیل حجم بسیار وسیع آتش‌سوزی، احتمال وقوع انفجار، قطع برق صنعتی کارخانه، عدم فعالیت کارخانه، بدهکاری کارخانه به چایکاران و عدم دریافت وام از بانک، وقوع حادثه غیرتصادفی (عمدی) بوده است».

یکی از کارشناسان مدیریت بیمه‌های آتش‌سوزی در گزارش خود مجموع ارزش مورد بیمه چای خشک در دو بیمه‌نامه را ۵۴۰۰ میلیارد ریال ذکر کرده است که ساختمان کارخانه به واسطه مرهونات تحت پوشش بیمه ایران بوده است.

وی دخالت عوامل انسانی در بروز حریق را محتمل دانسته و افزوده است: چای نمونه برداری شده مجدداً مورد آزمایش قرار گرفت.

نتیجه آزمایش‌ها تأیید می‌کرد که پنج مورد چای ضایعاتی بودند و تنها دو مورد چای خشک تلقی گردیدند که یکی از آنها به ادعای بیمه‌گذار چای قلم عنوان شده بود. چای قلم نمونه برداری شده به کارشناس تجربی جهت اظهار نظر ارائه شد که نامبرده آن را چای ضایعاتی اعلام کرد.

رئیس وقت شعبه لا هیجان در گزارش بیستم بهمن ۱۳۸۰ خود تاکید کرده است: «بدون شک، موجودی کالا کمتر از ۵۰ تن و آن هم از نوع ضایعات و یا چای نامرغوب می‌باشد. ... احتمال عمدی بودن حریق با توجه به شرایط بیمه‌گذار و عدم موجودی کالا ی مرغوب نسبت به ادعای حجیم بودن کالا در انبار، بسیار زیاد است».

با ابلاغیه مدیریت بیمه‌های آتش‌سوزی به یکی از کارشناسان خبره بیمه‌ای، نامبرده به اتفاق مسئولان محلی بیمه آسیا در تاریخ چهاردهم بهمن ۱۳۸۰ از کارخانه چای خشک‌کنی بازدید می‌کند و در جلسه پانزدهم بهمن با حضور مسئولان آتش‌نشانی منطقه به بحث و تبادل نظر در خصوص وقوع آتش‌سوزی می‌پردازد.

نتیجه‌گیری را مرور می‌کنیم: «... کلیه موجودی‌ها ... عمدتاً چای ضایعاتی بوده است. ... تعداد ۵ نمونه چای «معاف» که از نوع پست و کم ارزش می‌باشد. فاکتورهای فروش ارائه شده در

■ گزارش‌های متقن و دقیق کارشناسان بیمه سازمان آتش‌نشانی نیروی انتظامی و حضور فعالانه، پیگیر و مداوم وکیل انتخابی بیمه‌آسیا در نهایت دادگاه را وارد مرحله جدیدی کرد

سرگرد میراسدالله کارشناس نیروی انتظامی در گزارش خود آورده است: وضعیت فرو ریختن سقف انبار (سه طبقه روی هم) و خمیدگی تیر آهن‌ها، نشان‌دهنده پرنودن انبار از محصول چای خشک است. ضمن اینکه بیشترین موجودی، مربوط به ضایعات چای بوده و بیمه‌گذار به منظور انحراف بیمه‌گر اقدام به پاشیدن مقداری چای مرغوب بعد از حادثه روی آوار نموده است... حریق با دخالت مستقیم و یا غیر مستقیم افرادی انجام گرفته که در خروج شبانه‌گونی‌های مخصوص چای به صاحب کارخانه کمک کرده‌اند. یکی دیگر از کارشناسان مدیریت بیمه‌های آتش‌سوزی در گزارش خلاصه اقدامات انجام شده خود آورده است: مکاتبات و مکالمات زیادی با بیمه‌گذار جهت بررسی خسارت انجام گرفته است که تاکنون بی نتیجه بوده و تاکنون موفق به دریافت کامل اسناد و مدارک جهت حسابرسی و برآورد میزان موجودی چای نشده‌ایم. در طول

جریان رسیدگی به پرونده برقراری تماس با بیمه‌گذار به علت متواری بودن نامبرده (براساس اطلاعات شفاهی) بسیار مشکل بوده و پاسخگوی تلفن‌های تماس نیز نبوده است. وی ادامه می‌دهد: نهایتاً برادر بیمه‌گذار اعلام می‌کند که به علت مشکلات

مالی، امکانات لازم را برای برداشتن سقف آوار انبار محروقه ندارند. ضمن اینکه بیمه‌گر را تهدید به قصور در رسیدگی به خسارت مورد ادعای خویش می‌نماید. ضمناً براساس اطلاعات رسیده، بیمه‌گذار در رابطه با علت حادثه از دادگاه درخواست تامین دلیل کرده است. با توجه به گزارش کارشناسان بیمه، نیروی انتظامی، آتش‌نشانی اظهارات اهالی محل مبنی بر بدهکاری کارخانه به بیش از ۸۲۹ نفر از چایکاران منطقه، شنیدن صدای انفجار، تخلیه چای از محل آتش‌سوزی در هفته‌های قبل از آتش‌سوزی و ... عمدی بودن حریق به صاحب کارخانه اعلام و نامبرده شکایتی را در دادگاه عمومی لاهیجان طرح می‌کند. با طرح شکایت بیمه‌گذار، اداره خسارت آتش‌سوزی صنعتی از اداره حقوقی درخواست تعیین وکیل و رسیدگی موضوع را می‌کند. گزارش‌های متقن و دقیق کارشناسان بیمه، سازمان آتش‌نشانی، نیروی انتظامی و حضور فعالانه، پیگیر و مداوم وکیل انتخابی بیمه‌آسیا در نهایت دادگاه را وارد مرحله جدیدی می‌کند.

رابطه با چای خشک و آماده‌فروش، قابل اطمینان نبوده است... در رابطه با موجودی‌های قبل از حریق و میزان آن ... مدارک موجود کافی نبوده و حتی حسابدار و انباردار کارخانه نیز اطلاعات کافی نداشته‌اند... عوامل انسانی در بروز حادثه دخالت داشته‌اند».

به‌سراغ علیرضا فدایی کارگرسابق کارخانه چای خشک‌کنی می‌رویم. وی حرف‌های زیادی برای گفتن دارد: صاحب کارخانه به روستائیان و بانک‌های زیادی بدهکار است... انباری که دچار حریق شده انبار ضایعات بود... به محض ماندن چای و ضایعات، آنها رطوبت کشیده و به هیچ وجه آتش نمی‌گیرد... ضایعات هیچ ارزشی ندارد و ضایعات بصورت رایگان به روستائیان داده می‌شود... چنانچه انبار مزبور مالامال از چای باشد و ضایعات در آنها انبار نشده باشد نزدیک به شصت تن چای ظرفیت دارد... نمی‌توان چای درجه یک را در انبار

نگهداری نمود چرا که می‌بایست مرتب انبار خالی شود تا بتوان مجدداً برگ‌خرداری کرد... حدود ۴۵ روز قبل از حادثه آتش‌سوزی شاهد بودم که بین ساعت ۲۰ تا ۲۱ و به مدت پنج شب، نیشان‌های پر از چای از کارخانه چای خشک‌کنی به طرف شهرستان لاهیجان حرکت



می‌کردند... هر نیشان حدود دو تن و چهار صد کیلوگرم چای جای می‌گیرد... احتمالاً از کارگران غیربومی استفاده شده... قرار بود که سه‌شنبه دستمزد همه کارگران را بدهند که یکشنبه کارخانه آتش گرفت و تخریب شد.

بد نیست نگاهی هم به صورتجلسه تجمع کارگران در محوطه کارخانه چای خشک‌کنی بیندازیم: «در روز بیست و یکم بهمن ۱۳۸۰ تعدادی از روستائیان در محل کارخانه تجمع نموده بودند که از آنان علت حضورشان را سؤال کردیم. گفتند هر یک از ما مبالغی از آقای حقیقت‌گو طلبکار هستیم». گفتنی است تعداد طلبکاران ۸۲۹ نفر اعلام گردید.

اظهارات حسن بیدری یکی از کشاورزان فروشنده برگ‌سبز به کارخانه چای خشک‌کنی حقیقت‌گو شنیدنی است: «از کارخانه حقیقت‌گو در اوایل بامداد همانروز یعنی ساعت حدود ۳/۵ بامداد صدای وحشتناکی نظیر سقوط هواپیما، اصابت موشک و یا انفجار بمب (شنیده شد) ... اطلاع دقیق و صحیح دارم که داخل انبار کارخانه به هیچ وجه چای نبوده است.